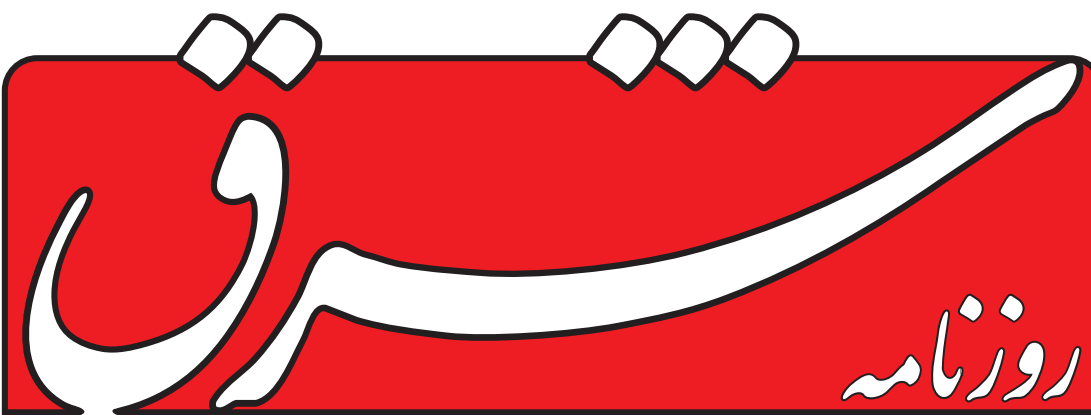


دوشنبه ۱ آذر ۱۳۸۹ ■ ۱۵ دیحجه ۱۴۳۱ ■ ۲۲ نوامبر ۲۰۱۰

گزارش «شرق» از فعالیت‌های زود هنگام انتخاباتی ظهور دوگانه اصولگرایی

درست در شرایطی که محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور در مقام میزبانی از جمعی از شخصیت‌های اصولگرا به سه نفر از شخصیت‌های مطرح آنان ماموریت انتخاباتی داد تا وضعیت انتخابات مجلس آینده و چگونگی حضور یکپارچه اصولگرایان در این انتخابات را بررسی کنند، همزمان گردانندگان اصلی‌ترین فراکسیون حامی او در مجلس، یعنی فراکسیون انقلاب اسلامی در را بر پاشنه دیگری چرخانده و خواستار خالص‌سازی جریان اصولگرایان و غربال آن دسته از فرماندهان...

صفحه ۳



در نامه مجلس به دبیر شورای نگهبان صورت گرفت

ارسال فهرست تخلفات دولت

صفحه ۲



کیمیا باغچه‌بان

کیمیا باغچه‌بان در گفت‌وگو با «شرق» گفت: متهم ردیف دوم میدان کاج می‌دانستم خون به پا می‌شود یعقوب متهم ردیف اول: اعدام می‌شوم اما مقصر نیستم. کیمیا باغچه‌بان در گفت‌وگو با «شرق» گفت: متهم ردیف دوم میدان کاج می‌دانستم خون به پا می‌شود یعقوب متهم ردیف اول: اعدام می‌شوم اما مقصر نیستم. کیمیا باغچه‌بان در گفت‌وگو با «شرق» گفت: متهم ردیف دوم میدان کاج می‌دانستم خون به پا می‌شود یعقوب متهم ردیف اول: اعدام می‌شوم اما مقصر نیستم.

کیمیا باغچه‌بان در گفت‌وگو با «شرق» گفت: متهم ردیف دوم میدان کاج می‌دانستم خون به پا می‌شود یعقوب متهم ردیف اول: اعدام می‌شوم اما مقصر نیستم. کیمیا باغچه‌بان در گفت‌وگو با «شرق» گفت: متهم ردیف دوم میدان کاج می‌دانستم خون به پا می‌شود یعقوب متهم ردیف اول: اعدام می‌شوم اما مقصر نیستم.



گروه حوادث، مرجان لقابی: پرونده جنجالی قتل در میدان کاج در حالی در دادگاه کیفری استان تهران مورد رسیدگی قرار گرفت که مادر مقتول در جلسه محاکمه فریادنان از اینکه ماموران پلیس نظاره‌گر مرگ پسرش بودند گلله می‌کرد. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۹:۳۰ صبح دیروز در سالن اجتماعات دادگاه کیفری استان تهران روی حضارانی باز شد که منتظر محاکمه متهم به قتل در میدان کاج سعادآباد بودند. یعقوب‌علی معروف به مهدی مردی ۳۱ساله با موهای جوگندمی است که در زمان ورود به دادگاه خشم در چهره‌اش نمایان بود. اما وقتی فیلم جنایتش را در سالن نمایش دادند اشک امانش نداد و برای لحظاتی به گریه افتاد و از قضات خواست فیلم را قطع کنند. او وقتی پشت میکروفن جایگاه متهم ایستاد از ابتدای آشنایش با کیمیا تا زمانی که مقتول را به خاطر او کشتن توضیح داد و از عشقی گفت که او را پای چوبه دار کشانده است. ذبیحی‌زاده نماینده دادستان تهران در ابتدای جلسه محاکمه این متهم در جایگاه حاضر شد و گفت: جنایت سعادآباد که افکار عمومی را به شدت تحت تاثیر قرار داد اتفاق تلخی بود و باعث شد این پرونده به دستور رئیس قوه قضائیه با سرعت مورد رسیدگی قرار

گیرد. اکنون من به عنوان نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شده‌ام تا برای شما از پرونده‌ای بگویم که ابعاد رسانه‌ای گسترده‌ای داشت. ششم آبان سال جاری ساعت ۱۰:۲۰ صبح بود که به ماموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب خبر دادند جوانی با ضرب چاقو مجروح و بر اثر شدت جراحات فوت شده است. این جوان بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده بود. زمانی که ماموران در محل حاضر شدند یعقوب را بازداشت کردند. این مرد به قتل اعتراف کرد و مشخص شد محمدرضا معروف به یزدان که مقتول پرونده است قربانی یک رقابت عشقی شده است. نماینده دادستان ادامه داد: «بررسی‌های بعدی نشان داد مهدی با زنی به نام سوسیه معروف به کیمیا از مدت‌ها قبل رابطه داشت. آنها بعد از مدتی با هم درگیر شدند و کیمیا از مهدی شکایت کرد و او را به زندان انداخت. زمانی که مهدی از زندان بیرون آمد متوجه شد کیمیا با مردی به نام یزدان رابطه برقرار کرده است. این موضوع او را به شدت ناراحت کرد و در نهایت آنها مقابل بنگاه معاملات املاک

تیتراژ

با اعلام سهمیه بنزین آذرماه پیش‌بینی می‌شود

احتمال به تعویق افتادن هدفمند کردن یارانه‌ها

پیونگ یانگ فعالیت اتمی خود را از سر گرفت

غافلگیری هسته‌ای در شبه‌جزیره کره

واکنش دکتر محمود کاشانی به گزارش «شرق»

شروع طلایی کشتی‌فرنگی

سوربان در گوانگجو ناکام ماند

حرف اول

آزارهای ساختاری کودکان

سعيد مدني واين زمستان زمهرير/ چيزي نصيبام نشد؟/ خيابان خيس/ مقوا خيس/ تخته‌ها، كبريت، حلي/ چشم‌ها و چه كنم... خيس،/ خواب و خيال شما چطور!؟

اگرچه مرسوم نیست که یادداشت با شعر آغاز شود اما حیفاام آمد این سروده زیبایی شاعر دردمند سیدعلی صالحی را برای چندمین بار زینت نوشته‌ای درباره کودکان ایران نکنم. امروز اول آذر (۲۲ نوامبر) به قراری روز مبارزه با کودک‌آزاری نام نهاده شده است. کودک‌آزاری شنیع‌تر و زشت‌تر از آن است که یک روز را منحصر به مبارزه با آن کنیم. دلایل زیادی برای آنکه تمامی اوقات جامعه مدنی صرف مبارزه با کودک‌آزاری شود وجود دارد. اما اجازه دهید در این روز افسانه قدیمی نامادری کینه‌توز و ناپدری فرصت‌طلب را فراموش کنیم و داستان کودک‌آزاری را به زبان امروز روایت کنیم. سخن بر سر این نیست که ناپدری‌ها و نامادری‌ها هنوز خطری برای کودکان – به اجبار تحت سرپرستی آنان – نیستند. به طور قطع و یقین نه. شواهد تحقیقاتی و گزارش‌های زیادی حکایت از آن دارد که هنوز هم کودکان بسیاری از سوی نزدیکان مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند. هنوز بیشترین موارد اعمال خشونت در محیط خانه رخ می‌دهد، هنوز بیشترین گروه سنی در معرض آزار، کودکان پنج تا ۹ساله و سپس ۱۰ تا ۱۴ساله هستند که قدرت دفاع از خود را در برابر بزرگسالان ندارند. هنوز دختران بیشتر از پسران مورد آزار قرار می‌گیرند، هنوز بیشترین آزارگری از سوی مردان (پدر یا شوهر مادر) رخ می‌دهد و هنوز... اما آنچه امروز نگرانی‌ها نسبت به وضعیت کودکان را بیشتر از همیشه افزایش داده، عوامل ساختاری است که زندگی دشوار و پررنجی را برای کودکان در خانه و بیرون از آن رقم زده است. امروز کودکان قربانیان سیاست‌ها و برنامه‌های نابخردانه بزرگسالان هستند. آنان تحت همه استرس‌ها و فشارهای ناشی از سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که بزرگسالان بر آنان تحمیل کرده‌اند، قرار دارند، در حالی که حتی فرصت آن را ندارند تا لب به اعتراض گشایند. اجازه دهید نه‌تنها کودکان آزاردیده که حتی مردان و زنان آزاردهنده را نیز قربانیان بی‌چون و چرای ساختارهای ناعادلانه‌ای قرار دهیم که چنان صرصه را بر آنان تنگ می‌کند که در نهایت برای جبران همه حقارت‌های زندگی، کودکان‌شان را تحقیر می‌کنند و مورد آزار قرار می‌دهند. سرنوشت کودکان آزاردیده چه می‌شود؟ آیا انتظار داریم گذشت زمان یادگارهای زندگی سخت و دشوار کودکانی را از یاد آنان ببرد. به طور قطع چنین نیست. شواهد علمی بسیاری دل بر آن است که تجربه‌های دوران کودکی به خصوص در حیطه‌های عاطفی و اجتماعی تاثیر جدی بر رشد و تکامل کودکان داشته و در نتیجه کل روند زندگی آینده کودک را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تجربیات سال‌های اول کودکی در ارتباط با محیط خانه و مدرسه تعیین‌کننده رشد ... ادامه در صفحه ۲



گزارش دوبله تازه‌ترین ساخته مسعود کیمیایی از پس زندگی نکتبی‌ام برميام

اینجا کسی اعتماد به نفس حرف زدن ندارد. همه ترجیح می‌دهند بیشتر سکوت کنند و فقط این صداهای نوستالژیک را بشنوند؛ صداهایی که هر کدام‌شان نقشی را در خاطرها زنده می‌کند. خسرو خسروشاهی (مدیریت دولابز)، چنگیز جلیلوند، منوچهر اسماعیلی، زهره شکوفنده و... که حالا ۳۰ سال می‌شود هیچ فیلم فارسی‌زبانی را دوبله نکرده‌اند، سر کار آمده‌اند و قرار است صداهایشان با تصاویر پولاد کیمیایی، حامد بهداد، شبنم درویش و... منج شود...

صفحه ۱۰

سال پنجم■ شماره پیاپی ۱۱۱۸ ■ شماره ۱۹۴ دوره جدید ■ ۲۰ صفحه ۶۰۰ تومان

سر مقاله

توهم استقلال بانک مرکزی

سعيد ليلاز



استقلال بانک مرکزی از دولت، به شکلی که این روزها بعضاً درباره آن تبلیغ و تمجید می‌شود، توهمی بیش نیست. لنین می‌گفت استقلال و تفکیک قوا از هم «افسانه» است. این، در مورد بانک مرکزی و رابطه آن با دولت نیز صدق می‌کند. به طریق اولی مصوبه اخیر مجلس در حذف رئیس‌جمهوری از مجمع عمومی صاحبان سهام بانک مرکزی هم نادرست است، هم غیرعملی و به همین علت چاره‌ای جز لغو آن و بازگشت به وضعیت اولیه وجود ندارد. اولاً در نیم قرن که از تأسیس بانک مرکزی در ایران می‌گذرد، چه در پیش از انقلاب و چه پس از آن، صرف‌نظر از اینکه چه رژیم با دولتی بر سر کار باشد، بانک مرکزی همواره یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت‌ها در اداره اقتصاد کشور بوده است. حتی پیش از تأسیس بانک مرکزی در سال ۱۳۳۹ خورشیدی نیز با وجود وابستگی صد درصدی بانک ملی ایران به دولت، چنین بوده است که شبکه بانکی، از طریق اعمال سیاست‌های پولی یعنی تغییر در نرخ بهره، در خدمت اهداف اقتصادی دولت‌ها قرار داشته و هنوز هم دارد. هیچ مصوبه دیگری هم قادر به تغییر شرایط آن نخواهد بود. با وجود آنکه سابقه شبکه بانکی مدرن یا شبه‌مدرن در ایران به حدود یک قرن می‌رسد، تنها در ۴۰ سال اخیر یعنی از اواخر دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به این سو است که سیاست‌های پولی کشور حالت لیام‌گسیخته به خود گرفته و نرخ رشد نقدینگی که همه نگرانی طرفداران استقلال ظاهری بانک مرکزی از تشدید آن بالا گرفته، رو به افزایش گذاشته و به تبع آن تورم به بخشی از ساختار اقتصاد ایران تبدیل شده است. پرسش از طرفداران استقلال بانک مرکزی اینجاست که اگر مساله و ریشه مشکل در وابستگی بانک مرکزی به دولت است، پس چرا درست از سال ۱۳۵۰ به بعد یکباره نرخ رشد نقدینگی در ایران حالت انفجاری پیدا کرد و تا پیش از آن هم این نرخ به‌شدت تحت کنترل بود و هم – به تبع آن – نرخ تورم؟ شواهد آماری نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۵۱ اقتصاد ایران اساساً نرخ تورم دورقمی را نمی‌شناخت و نخستین بار پس از سال‌ها، نرخ تورم در سال ۱۳۵۲ دورقمی شد و تاکنون به استثنای یکی دو سال همان‌طور مانده است. علت این عارضه، البته آن است که به سبب فقدان انضباط اقتصادی دولت، از سال ۱۳۵۱ به بعد یکباره نرخ رشد نقدینگی دو برابر شد و به ۲۵ درصد در سال ۱۳۵۰ رسید و تا سال ۱۳۵۳ به رکورد تاریخی ۶۱ درصد افزایش یافت. اما علت این عارضه، در مالکیت دولت بر بانک مرکزی نبود، زیرا این مالکیت و تسلط، از ابتدای قرن جاری خورشیدی بر بانک مرکزی و پیش از آن بانک ملی وجود داشته است. علت اصلی انفجار در نقدینگی از ۴۰ سال پیش به این سو که در دو رژیم متضاد سیاسی و پنج دولت کاملاً متفاوت در مثنی ایدئولوژیک کمابیش یکسان مانده آن بود که بی‌انضباطی دولت‌ها در تزریق منابع نفتی یا قرضی به اقتصاد ملی و نترسیدن از پیامدهای تورمی آن، نه در دولت‌ها، نه مجالس قانونگذاری و نه سایر دستگاه‌های نظارتی، به امری عادی تبدیل شده است. به عبارت دیگر، هنگام توزیع منابع، همین نمایندگان مجلس بر سر تقسیم یا افزایش منابع یا یکدیگر و با دولت مسابقه می‌گذازند، اما هنگامی که آثار این بی‌فکری و بی‌انضباطی، در لیام‌گسیختن نرخ تورم خود را نشان می‌دهد، بی‌توجه به اصل مساله، انگشت اتهام را به سوی یکدیگر و دولت نشانه می‌روند. با چنین وضعی، بر فرض که اصلاً زمام تصمیم‌گیری بانک مرکزی را به خارج از کشور بسپरیم چه اتفاقی می‌افتد؟ در بعد نظارتی اگر مجلس واقعاً در پی کنترل کردن دولت است، باید به جای پافشاری بر استقلال غیرممکن بانک مرکزی، در برابر میل دولت به افزایش هزینه‌های خود ایستادگی کند. اگر هزینه‌های دولت دائماً افزایش یابد و دولت سال به سال بزرگ‌تر شود و بر تعهدات خود یا به دست خویش یا با فشار مجلس بیفزاید بی‌آنکه درآمدی غیر از تبدیل دلار نفتی به ریال برای جبران آن پیش‌بینی کرده باشد... ادامه در صفحه ۳

معرفی تورها هتل ها رستوران ها آژانس های مسافرتی

واحدگردشگری سازمان آگهی ها تلفن: ۰۲۴-۳۸۰۳۳۳۰۳۳
در صفحه ۱۹

آرتیمان ۰۲۶۴۰۰۳۶۹-۷۱
شرق پویا ۸۸۵۷۶۷۱۰
پرساووش ۸۸۹۷۴۱۴۱-۳
آلاله آسمان آبی ۸۸۹۳۳۸۲۸
بهار پرستوها ۸۸۵۲۴۸۵۶
پارسیان مهر گشت ۸۸۸۴۹۹۷۵
اسپیلت البرز ۰۲۶۹۰۲۶۸۰

واکنش دکتر محمود کاشانی به گزارش «شرق» تیترومی‌زدید کاشانی خواستار رعایت آزادی بیان در صداوسیما شد

به‌دنبال چاپ گزارش نامه سیدمحمود کاشانی به رئیس صداوسیما که در خلال آن نامه اتهاماتی را متوجه دکتر مصدق کرده بود، وی در نامه‌ای به «شرق» به آن گزارش واکنش نشان داد که در پی می‌آید. جناب آقای مهدی رحمانیان؛ مدیرمسئول محترم روزنامه شرق؛ احتراماً در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۸۹ نامه‌ای به آقای عزت‌الله ضرغامی مدیرعامل محترم سازمان صدا و سیما نوشتم و بر ضرورت تأمین آزادی‌بیان و نشر افکار در این رسانه تأکید و از اجرا نشدن اصل ۱۷۵ قانون اساسی انتقاد کردم. هرچند بخش‌هایی از این نامه در روزنامه شرق روز یکشنبه ۲۳ آبان انتشار یافت ولی عنوان این نامه به گونه‌ای بازتاب داده شد که با موضوع و هدف نگارش آن همخوانی نداشت. روزنامه شرق این نامه را با عنوان «حمله فرزند آیت‌الله کاشانی به دکتر مصدق» در صفحه یک و دو منتشر کرد که دور از انصاف و آیین روزنامه‌نگاری بود. انگیزه و موضوع اصلی این نامه در پاراگراف آغازین آن که متأسفانه در روزنامه شرق حذف شد، چنین آمده بود: «با سلام همان گونه که می‌دانید در صدا و سیما بر پایه اصل ۱۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.» این مسوولیت سنگین از آن رو بر عهده مدیریت این سازمان گذاشته شده است که دولت‌ها در سال‌های

پیش از پیروزی انقلاب با ایجاد کنترل بر صدا و سیما ملت ایران را از دستیابی به اطلاعات درست در زمینه مسائل داخلی و خارجی کشور محروم کردند و همین امر زبان‌های جبران‌ناپذیر مادی و معنوی به کشور ما وارد ساخت. به ویژه در سال‌های نهضت ملی ایران نخست‌وزیر وقت توانست با ایجاد کنترل شدید بر رادیو که مهم‌ترین رسانه در آن زمان بود بر قانون‌شکنی‌های ناروا و ویرانگر خود سربوش گذارد و نهضت ملی ایران را به شکست کشاند. با شکست این نهضت، آمریکا و انگلستان توانستند منابع بزرگ نفت کشور ما را که با تصویب قانون ملی کردن نفت از کنترل شرکت نفت انگلیس خارج شده بود این بار با تحمیل قرارداد کنسرسیون به کنترل خود درآورند.

ادامه در صفحه ۳